



بررسی تطبیقی الگوهای پارادوکسیکال در غزل‌های شکسپیر و حافظ

زهره تائبی

دانشگاه فردوسی مشهد

بابک بهرامیان

دانشگاه فردوسی مشهد

پارادوکس این امکان را به شاعر می‌دهد تا نه تنها به عنوان یک هنر سازه بلکه بعنوان یک تمهید در سطح گفت‌وگو نیز در خدمت شاعر قرار بگیرد. الگوهای پارادوکسیکال نیز به دلیل تقابل با نظام فکری مردم متناقض بنظر می‌رسند، در صورتی که در نظام اندیشه‌ای آن شاعران به خصوص شاعران مورد مطالعه این جستار یعنی حافظ و شکسپیر پارادوکسی وجود ندارد. در بخش نخستین این مقاله، مقدمه‌ای در باب ماهیت شعر و ماهیت اندیشه‌ای این دو شاعر آورده شده است. سپس در بخش پیشینه‌ی تحقیق به تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه پارادوکس اشاره شده است. آنگاه با معرفی پارادوکس و تصویر پارادوکسیکال، مختصر توضیحی فنی در باب این هنر سازه ارائه می‌شود. پژوهش‌های صورت گرفته غالباً وجود الگوهای پارادوکسیکال را در صورت یا محتوا در نظر گرفته‌اند. در بخش معرفی نحله نظریه‌ی مورد استفاده در پژوهش، نگارنده به بررسی مفاهیم فرم و ساختار در سنت فرمالیسم روس می‌پردازد و نشان می‌دهد چطور تفکیک فرم از محتوا صحیح نیست. آنگاه به ارائه‌ی تعدادی شاهد مثال الگوهای پارادوکسیکال در فرم و ساختار و مایگان‌های موجود در غزلیات حافظ و شکسپیر پرداخته می‌شود. در بخش نتیجه‌گیری به این مبحث پرداخته می‌شود که این دو شاعر چه مایگان‌هایی در الگوهای پارادوکسیکال فشرده و گسترده قرار داده و چه منطق احتمالی در پس این انتخاب نهفته است.

کلیدواژه‌گان: حافظ، شکسپیر، الگوی پارادوکسیکال، فرم و ساختار